

از ۱۳۹۵ چه می خواهیم؟



امید ستاری

با نزدیک شدن به روزهای پایانی سال به تدریج وقت آن می رسد که همه در آستانه چرخش ساعت ششمنی روزگار، برای دور جدید آماده شوند. ما ایرانیان رسوم دیرینه و ماندگاری به منظور مهیا شدن برای این بزنگاه احیای طبیعت داریم. خانه تکانی می کنیم. جامه تمیز و نو به تن می کنیم و سفرهای می اندازیم که شاید فلسفه اصلی

آن اعتقاد به رقم خوردن تقدیر سالانه در لحظه تحویل سال است. ما آرزوهای خود برای سال جدید را در لفافه سبزه نوروز و ماهی قرمز و سکه و سمنو و ... می جوییم. دعای تحویل سال هم به نوعی تدوین چشم انداز جدید، با استعانت از الطاف حضرت حق است. در این میان هر فرد هوشمندی با غنیمت شمردن این لحظه تحویل و تحول، در ذهن خود برای سال جدید، اهدافی را مشخص و تبیین می کند تا در سال نو فعالیت های خود و مسیر زندگی اش را به نحوی تنظیم و تعدیل نماید و سال آینده در همین زمان تغییرات دلخواهش در زندگی اش رخ نموده باشد. دقیقاً شبیه آنچه که غربی ها در آستانه سال میلادی انجام می هد و اسم این خواسته و تصمیم محکم برای سال جدید رزولوشن (Resolution) می گذارند. آنها با بیان شفاف رزولوشن یا تصمیم خود برای سال جدید به همه اطرافیان شان، خود را به اجرای آن متعهد می کنند و در واقع راه گریزی برای خود باقی نمی گذارند و این پایبندی به صورت بالقوه منشا تغییر و تحولات قابل توجه از جمله سلامتی بیشتر، تغذیه سالم تر، شادی درونی بیشتر، دانش بیشتر، امور خیر خواهانه مستمر تر و ... می شود. بدیهی است که مانند هر هدف دیگری، لازمه دستیابی به این رزولوشن اولاً بر آورد صحیح نهاده ها و داشته ها، تعیین دقیق خواسته ها و اولویت بندی آنها، و در نهایت تدوین بهترین مسیر برای رسیدن از داشته ها به خواسته هاست. در کنار این شروط لازم بایستی به این نکته هم اشاره کرد که تدوین تصمیم رزولوشن سال نو برای هر شخص، با توجه به جایگاهش در خانواده و یا موقعیت شغلی اش، می تواند بر تصمیمات و رزولوشن افراد دیگر تاثیر گذار باشد. مثلاً تصمیم پس انداز ۳۰ درصد از درآمد سالانه توسط پدر یک خانواده، قطعاً بر تصمیمات فرزندان در ثبت نام در کلاسهای فوق برنامه و یا تصمیم جایگزینی لوازم منزل توسط مادر خانواده تاثیر می گذارد. لذا لازم است که فرآیند تصمیم گیری و تصمیم سازی با گفتمان و تعامل بین اعضای خانواده همراه باشد تا کمترین تعارض پدید آید. زیرا لازمه احساس خوشبختی در خانواده این است که همه افراد در پایان سال تا حد امکان به رزولوشن و هدف خود نزدیک شده یا دست یافته باشند. در غیر این صورت، احساس یأس و ناامیدی در بخشی از بدنه خانواده به وجود آمده و به تدریج منتقل می شود. بنابراین علی رغم اینکه داشتن چنین هدفی به صورت بالقوه منافع زیادی در بردارد، اما در صورتی که ملاحظات کامل در تعیین آن در نظر گرفته نشود، نمی تواند خوشبختی خانوار را حداکثر کند. با توجه به مقدمه مذکور کاملاً قابل درک است که وجود چنین تصمیم محکمی برای سال جدید در بین مسئولین استان و در رأس آنها استاندار که در واقع به موجب موقعیت شغلی اش می تواند بر همه رزولوشن های هم استانیان موثر باشد تا چه اندازه حائز اهمیت است. به ویژه آنکه استاندار فعلی در حال هدایت یکی از سخت ترین بخش های فرآیند توسعه یعنی توجه به زیرساخت هاست. فردی که به نظر می رسد آفاق فکری باز و البته بلندی دارد. توسعه با شکل گیری باورها آغاز می شود و با بنا کردن زیرساختها جان می گیرد و با رونق کسب و کار و جریان دانش در تولید به بلوغ می رسد. استاندار در سالی که گذشت خود را به مخاطره انداخت. از جایگاه امن پشت میز خود برخاست و اجرای پروژه های عمرانی را کلید زد که فکر کردن به اجرای آنها هم ذهن را خسته می کرد، چه رسد به عملیاتی کردن آنها. درست در زمانی که درآمدهای دولت به واسطه کاهش بهای نفت در بدترین شرایط ده سال اخیر بود. از افرادی چون وی که وسعت دید بیست ساله و پنجاه ساله و صد ساله دارند، انتظار می رود هدف اصلی دولت استانی را در سال ۱۳۹۵ مشخص کنند و آن

را اعلام و جاده دستیابی به آن را با مردم استان در میان بگذارند. با فرض اینکه استاندار محترم همانند همان پدر خانواده با نشست و هم اندیشی و همفکری با اعضای خانواده قصد تعیین هدف سالانه داشته باشد این نوشتار قصد دارد برخی از بایدها و نبایدهای مسیر خیر تعیین هدف سالانه استان را بر شمارد:

۱- آفت هدفگذاری، کلی گویی و عدم توجه و عدم ارائه جزئیات و راههای دقیق دستیابی به هدف است. اهداف را شاید برای عموم بتوان در قالب یک شعار یا یک جمله مطرح نمود؛ اما اسفناک خواهد بود اگر رسانه ها و نخبگان جامعه را نتوان در جریان جزئیات و زمانبندی و مسیرهای دستیابی به هدف قرار داد. لذا نکته نخست، دقت تعیین هدف و مسیر دستیابی به آن است. پروژه الف تا اسفندماه ۱۳۹۵ چند درصد پیشرفت فیزیکی خواهد داشت؟ دقیقاً برای توسعه فرهنگی چه اقداماتی با چه اهدافی و با چه زمانبندی و با چه بودجه ای در دستور کار است؟ رقم هدف جذب سرمایه گذاری خارجی در استان در سال ۱۳۹۵ چقدر خواهد بود و به چه منوال قرار است این جذب صورت بگیرد؟ برای صادرات استان چه رقمی مدنظر است و با استناد به چه مطالعاتی این ارقام استخراج شده است و راههای دستیابی به این درآمد صادراتی چیست؟ در صورت نرسیدن به اهداف چه کسانی و چگونه بایستی پاسخگو باشند؟ و ...

۲- این رزولوشن یا هدف اصلی قطعاً بایستی با ادبیات استاندار که شاه کلید آن توسعه است همگون باشد. توسعه مفهومی است چند بُعدی و البته حرکت به سمت توسعه یافتگی تا دستیابی به اهداف توسعه، فرآیندی طولانی مدت است. اهداف توسعه ای باید حتماً در برنامه لحاظ شوند. به این معنی که در سایه این اهداف، نه تنها استان در سال ۱۳۹۵ اداره شود، بلکه بر ظرفیتهای رشد استان افزوده شود و استاندار محترم مسیر مورد نظر رسیدن به این افزایش ظرفیت را تشریح کنند. البته هیچکس از استاندار توقع ندارد در مدت چهار سال تمام عقب ماندگی های چندین ساله را مرتفع کند، اما سال ۱۳۹۵ می تواند شروع طی کردن چند پله از این نردبان باشد. لذا بلندپروازی می تواند آفت دیگر در هدفگذاری یکساله باشد. چه بسا اگر اهداف مشخص شده و اعلام شده به هر دلیل محقق نشوند و انتظارات بدبینانه در بدنه جامعه شکل بگیرد، هزینه هدفگذاری از منافع آن بیشتر خواهد شد.

۳- اگر قرار نباشد در مسیر توسعه راه طولانی حدود ۲۰۰ ساله اروپا طی کنیم، لاجرم بایستی کار را به نخبگان بسپاریم. نخبگانی که به قول دکتر سریع القلم دو دسته اند. الف- نخبگان فکری که صاحب فکر و اندیشه و آفاق های بلندمدت هستند و شامل نویسندگان، دانشگاهیان، هنرمندان، محققان، خبرنگاران و کارشناسان هستند. ب- نخبگان ابزاری که صاحب قدرت و ثروت هستند و می توانند ایده ها و آرا نخبگان فکری را عملی کنند. البته نکته ظریفی که وجود دارد این است که ضمن اینکه این دو گروه نخبگان هیچ یک به تنهایی قادر به پیش بردن جامعه به سمت و سوی توسعه نیستند، بایستی توجه کرد که نخبگان فکری که ایده پردازی ماورایی و بدون اطلاعات از وضعیت کنونی جهان، منطقه، کشور و استان داشته باشند، نمی توانند راهگشا باشند و اصولاً اندیشمند، زمانی به درد حوزه اجرایی خورد که در جریان مسائل قرار داشته باشد و اگر در جریان نیست، مطلع گردد. زیرا نخبه فکری باید کاربردی بیندیشد و به فکر راه حل باشد.

از سوی دیگر نخبگان ابزاری که خود بخوانند همزمان هم فکر کنند و هم اجرا کنند و وقتی به دیدگاه های کارشناسی نگذارند و نپذیرند که فرصت لازم برای فکر کردن و پرداختن به فرآیندها، آسیب شناسی پیش فرضها و فراز و نشیب های علمی توسعه نیافتگی را ندارند، ضد توسعه هستند و بایستی پالایش شوند. به نظر می رسد مثلث توسعه اقتصادی استان که بر سه رأس کارآفرینان، دولت و نمایندگان مجلس بنا نهاده شده است، چنین فلسفه ای را در دل خود دارد. پس لازم است استاندار در سال ۱۳۹۵ نحوه تعامل رؤس این مثلث و عملکرد این تعامل و عوامل مخمل آن را ارزیابی و بر این اساس روابط این دو دسته نخبه را به گونه ای تعریف و تنظیم کند تا حداکثر کارایی حاصل شود.

۴- سرمایه کشور های توسعه یافته فعلی انسانهایی هستند که طی یک قرن

